



مردم بالمان شهدای گمنام بوستان قدیمی شهر ارتباط خوبی برقرار کردند

# یاد شهدا در قلب «ملت»



عکس: شیرین قائمی/شهرآرا

گفت وگو با علی اورعی، آتش نشان و قهرمان کاراته جهان  
 که رسم پدر شهیدش را زنده نگه داشته است

حس خوب ناجی بودن

۵۴ و



گلایه اهالی کوچه شریف ۱۵

از کم توجهی شهرداری به پارک محلی شان

۲ و

خزان زودرس بوستان  
 محله شریف

قدردانی شورای اجتماعی محلات توس از مادرانی  
 که در مسیر جوانی جمعیت گام بر می دارند

۷ و

۱۲ مادر همراه ۴۱ فرزند



گلایه اهالی کوچه شریف ۱۵  
از کم توجهی شهرداری به پارک محلی شان

## خران زودرس بوستان محله شریف

فاطمه سیرجانی | وضعیت فضای سبز کوچه شریف ۱۵ در ماه‌های اخیر روبه‌خامت گذاشته است و درختان یکی یکی در حال خشک شدن هستند. «این گفته‌ها بخشی از گلایه‌های یکی از اهالی محله شریف است که با نارا حتی توأم با نگرانی از رسیدن پاییز زود هنگام در فضای سبز کوچه محلی می‌گوید: جایی که به گفته او، اهالی محله پیش از موعد، شاهد خشک شدن کامل تعدادی از درختان فضای سبز کوچه شریف ۱۵ هستند. این شهروند دغدغه‌مند از شهرآرام محله می‌خواهد صدای اهالی محله را به گوش مسئولان برساند تا علاج واقعی قبل از وقوع باشد.



### ● نه خبری از پرنده‌هاست نه فضای سبز

برای مشاهده عینی این معضل، راهی کوچه شریف ۱۵ می‌شویم. در میانه کوچه، بوستانی بی‌نام و نشان روبه‌روی ما قرار دارد. کیسه نخاله‌های ساختمانی در گوشه و کنار کوچه، منظره‌ای نازیبا مقابل دیدگان هر رهگذری به نمایش گذاشته است. علیرضایزدان پناه، یکی از ساکنان قدیمی محله که از وضعیت موجود گلایه دارد، با اشاره به یک بوته یاس خشکیده می‌گوید: زمانی فصل بهار، عطرا این درختچه یاس تمام محله را پر می‌کرد. صبح‌ها با صدای چهچهه پرنده‌ها بیدار می‌شدیم؛ انگار وسط جنگلی سرسبز بودیم. اما از شش ماه قبل زمانی که آب به پای این درخت‌ها نرسید، پرنده‌ها هم کوچ کردند و دیگر صدایشان را نمی‌شنویم.

یزدان پناه به آبیاری گاه‌وبیگاه درختان باتانکر آب، آن هم تا اوایل بهار، اشاره می‌کند و می‌گوید: داستان مکانیزه شدن آبیاری در این بوستان به گذاشتن یک لوله کف زمین ختم شد و همان موضوع بهانه‌ای شد برای قطع آبیاری باتانکر. این کار، خشکی درختان در فصل بهار و تابستان را در پی داشت.

### ● درختان یکی پس از دیگری در صف خشک شدن

زهرة موسوی، همسایه‌ای که پنجره خانه‌اش روبه این بوستان باز می‌شود، با نارضایتی می‌گوید: ما بارها با ۱۳۷ تماس گرفته‌ایم. هم از خشکی درخت‌ها گلایه کرده‌ایم و هم از گردوغباری که با کوچک‌ترین وزش باد از این زمین خاکی برمی‌خیزد. اما این تماس‌ها متأسفانه نتیجه‌ای نداشته است. بعضی درخت‌ها کاملاً خشک شدند و بقیه هم همان‌طور که شاهد هستید در حال خشک شدن هستند. او همچنین از وضعیت نامناسب بهداشتی در شرایط کنونی این

بوستان می‌گوید و ادامه می‌دهد: علاوه بر کم‌آبی، وضعیت بهداشتی بوستان نگران‌کننده است. انباشته شدن مصالح ساختمانی و پراکنده شدن شاخه‌های خشکیده در مسیر پیاده‌روها، نه تنها زیبایی محله را از بین برده، بلکه معضلات بهداشتی جدیدی هم برای همسایه‌های این محدوده به وجود آورده است.

### ● بازگشت به سیستم آبیاری باتانکر

در ادامه پیگیری‌ها درباره معضل مطرح شده، مسئول فضای سبز منطقه ۱۱ توضیح می‌دهد: به زودی نیروهای عملیاتی برای نظافت، جمع‌آوری ضایعات و رسیدگی به درختان موجود به محل اعزام خواهند شد و این اقدامات طی ۲۴ ساعت آینده انجام خواهد شد.

سید محمود ثریایی در توضیح علت وضعیت فعلی با بیان اینکه این محدوده به عنوان لکه جنگلی تعریف شده است و در گذشته با آب شرب آبیاری می‌شد، اضافه می‌کند: با توجه به محدودیت منابع آبی، آبیاری با شبکه جداساز در برنامه آبیاری فضای سبز منطقه قرار گرفته است.

وی ادامه می‌دهد: شبکه جداساز در محدوده مورد نظر هنوز تکمیل نشده و این مهم، آبیاری بوستان مدنظر را با مشکل مواجه کرده است. مسئول فضای سبز منطقه در خصوص امکان کاشت گل‌های فصلی یا گونه‌های دائمی در این بوستان می‌گوید: با توجه به تعریف این فضای سبز به عنوان لکه جنگلی، امکان کاشت گونه‌های دائمی و گل و گیاه در آن وجود ندارد. در حال حاضر، اولویت اصلی محافظت درختان موجود و سامان‌دهی وضعیت فعلی محدوده است.

ثریایی در پایان از بازگشت سیستم آبیاری درختان این فضای سبز باتانکر و رسیدگی بیشتر به بوستان خبر می‌دهد و از شهروندان می‌خواهد در صورت مشاهده تخلیه زباله ساختمانی، موارد را به شماره ۱۳۷ گزارش کنند.

### این هفته بوستان محله شهید رضوی میزبان رویداد بزرگ ورزش شهرمان بود ورزش ۳ هزار نفری در گود «برکت»



شهروندان یکی پس از دیگری با لباس‌های ورزشی می‌رسند تا یکی از همایش‌های بزرگ ورزشی سطح شهر را در بوستان برکت برگزار کنند. با اینکه اول صبح است هر لحظه بر تعداد ورزشکاران اضافه می‌شود. همایش بزرگ ورزشی صبح و نشاط، بزرگ‌ترین برنامه ورزش منطقه ۱۱، با حضور ۳ هزار ورزشکار آقا و بانو با همکاری شهرداری منطقه ۱۱، سازمان ورزش و جوانان و هیئت ورزش‌های همگانی برپا شده است.

معماری متفاوت بوستان برکت، قسمت آب‌نمارا شبیه یک گود زورخانه کرده که دورتادور و داخل آن با حضور ورزشکاران پر شده است. سینا فرهادی که در این برنامه حاضر است، می‌گوید: با توجه به فعالیت گروه‌های ورزشی و همایش‌هایی که در بوستان برکت برگزار می‌شود، این پارک می‌تواند دومین مرکز ورزش همگانی منطقه ۱۱ باشد. همایش امروز هم برای من تجربه متفاوتی بود و متوجه شدم هرچه جمعیت ورزشکاران بیشتر باشد، نشاط ورزشکاران هم افزایش می‌یابد.

### کودکان منطقه ۱۱ در «مهرانه»

جشنواره بزرگ شادی و خنده ویژه کودکان مهدکودکی در منطقه ۱۱ برگزار شد. این برنامه فرهنگی به همت معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ در دوره‌ای دو روزه و با عنوان «مهرانه»، تدارک دیده شد. بیش از ۲۰۰ کودک در این جشنواره در سالن ورزشی گلسا، در کنار هم مشغول بازی، شادی، خنده و مسابقه شدند.



### باز شدن مسیر کانال‌های روباز شهری منطقه ۱۱

نیروهای خدمات شهری منطقه ۱۱ در هفته گذشته، کانال‌های روباز معابر شهری را نظافت کردند. با توجه به رها کردن زباله‌های بزرگ در برخی کانال‌ها و مسدود شدن مسیر در زیر پل‌ها، این اقدام هم‌زمان با آغاز فصل بارش اجرایی شد. در این راستا بیش از ۲۰ کیلومتر کانال روباز در بولوارهای معلم، سید رضی، امامت، دانشجو، فرهنگ و آموزگار نظافت شد.

### برگه جرمه برای خودروهای متخلف بولوار معلم

با توجه به نقض مکرر حقوق شهروندی از سوی برخی نمایشگاه‌داران بولوار معلم، گشت ویژه پلیس راهور و شهرداری، خودروهای متخلف را اعمال قانون کرد. این اقدام در راستای پاسخ به مطالبات شهروندی و احقاق حق حقوق شهروندان در پیاده‌روهای بولوار معلم اجرایی شد تا زمینه تردد آسان و راحت عابران پیاده مهیا باشد.

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



### ● غبارروبی مزار شهدای میدان آزادگان

اهالی محلات رحمانیه و مجیدیه با حضور بر مزار شهدای میدان آزادگان (نمایشگاه)، ضمن غبارروبی قبور مطهر، یاد و خاطره شهدا و فدائیکاری آن هاراگرامی داشتند.

این برنامه به همت پایگاه بسیج حوزه ۳ یاسرو با همکاری شورای اجتماعی این دو محله تدارک دیده شد و نوجوانان حاضر در برنامه به شست و شوی قبور با گلاب اقدام کردند.

علاوه بر این طبق هماهنگی از پیش انجام شده، با تقدیم هدایایی، از خانواده شهدای تدفین شده در میدان آزادگان قدردانی شد.



### ● روایت دفاع مقدس برای بچه های جاهد شهر

برنامه روایتگری جنگ هشت ساله دفاع مقدس، با حضور روابان روزهای ایثار در مسجد امام خمینی (ره) محله جاهد شهر برگزار شد.

این برنامه فرهنگی ویژه کودکان و نوجوانان تدارک دیده شده بود و حدود سی نفر از این رده سنی، پای روایت های دوران دفاع مقدس نشستند تا بیش از پیش با مفاهیم ایثار، شهادت و فدائیکاری مردان و زنان این مرز و بوم آشنا شوند.

مراسم روایتگری ایثار رزمندگان اسلام، به همت هیئت امناء و فعالان مسجد امام خمینی (ره) و ویژه هفته دفاع مقدس برپا شد و در بخشی از برنامه درباره آنچه بر کودکان و نوجوانان در مناطق جنگی گذشته است، صحبت شد.

### ● رقابت گل کوچک در خیابان بوستان

بچه های فوتبال دوست محله جاهد شهر، در مسابقه هیجان انگیز گل کوچک جام خلیج فارس، در زمین ورزشی خیابان بوستان با هم رقابت کردند.

این مسابقات به همت هیئت طریق الشهدای قدس و با همکاری شورای اجتماعی محله جاهد شهر، پایگاه شهدای جهاد سازندگی، شهرداری منطقه ۱۲ و سپاه ناحیه یاسر برگزار شد.

رقابت های گل کوچک بچه های جاهد شهر طی دو روز و با حضور ۲۲ تیم در رده های سنی کمتر از ۱۲ سال و ۱۲ تا ۱۸ سال برپا شد.

در پایان این رقابت ها، در رده سنی نونهالان، تیم های آکادمی سازنده و آینده سازان خلیج فارس به ترتیب اول و دوم شدند و در رده سنی نوجوانان هم تیم های شهید ابراهیم هادی و وفادار به ترتیب قهرمان و نایب قهرمان شدند.

### ● مهرورزی اهالی توس به یکدیگر

هم زمان با بازگشایی مدارس و بازگشت دانش آموزان به کلاس درس، خیران محدوده منفصل شهری توس، برای بچه های نیازمند محلات چهار برج، فردوسی و کلاته برفی، بسته های نوشت افزار تهیه کردند.

این اقدام با مشارکت خیران محلی در مسجد امام حسین (ع) اجرایی شده و ۶ بسته نوشت افزار شامل جامدادی، دفتر، مدادرنگی، خودکار و... تهیه و توزیع شد.



### ننوازی آسفالت بولوار نمایشگاه

به همت اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۱۲، مسیر بولوار نمایشگاه روکش آسفالت شد. این اقدام هفته گذشته از میدان آزادگان تا پل شهید برونسی و در مسیری به مساحت بیش از ۱۰ هزار مترمربع اجرایی شد تا زمینه تردد دایم وسایل نقلیه در این مسیر مهیا شود.

### مرمت جداول در اقدسیه ۹

جداول تخریب شده معابر فرعی اقدسیه ۹، توسط نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۲ مرمت شد. در این اقدام عمرانی، جداول در مسیری به طول ۱۰۰ متر به صورت کامل نوسازی شدند. همچنین پل های مقابل مدارس و مسیر ویژه عابران و وسایل نقلیه با استفاده از دال مسلح مرمت شد.

### آموزش های ادامه دار «رویش»

با وجود گذر از تابستان و کاهش دوره های آموزشی مراکز غیر علمی، مدیران مرکز «رویش» برگزاری دوره های جدید اشتغال آفرینی را در دستور کار قرار داده اند.

به این ترتیب بانوان محدوده منفصل شهری توس این فرصت را دارند تا از ۴ دوره آموزش تولیدات خانگی، خیاطی، آشپزی، چرم دوزی و... بهره مند شوند.



هفته گذشته، جلسه بررسی معضلات مشاغل مزاحم در منطقه ۱۲ تشکیل و تصمیمات جدیدی برای مدیریت این موضوع در بافت نوین شهر الهیه، اتخاذ شد. شهردار منطقه ۱۲ ضمن اشاره به پیگیری ها برای مدیریت این موضوع در بافت محدوده الهیه گفت: در جلسه ای با حضور مدیران شهری و مسئولان اتحادیه های صنفی مرتبط، رسیدگی فوری به وضعیت مشاغل مزاحم در منطقه ۱۲ در دستور کار قرار گرفت.

مهدی خداشناس ادامه داد: پس از بررسی مشاغل پرونده بند ۹۰۲۰ مصوبه برای بازگشت آرامش به معابر الهیه تأیید شد که قطعا با اجرا شدن آن ها، محدوده ای پاکیزه و زیبا و به دور از آلاینده گی و مزاحمت در دسترس شهروندان خواهد بود.

او ادامه داد: این ۹ مصوبه ضوابط مشخصی را برای آگاهی مالکان و همچنین صاحبان مشاغل و اتحادیه های مرتبط تعیین می کند تا شاهد فعالیت مشاغل مزاحم در محدوده های غیر مجاز نباشیم.

خداشناس افزود: براساس این مصوبات، مشاغل مزاحم در فاز صنعتی سبک الهیه سامان دهی می شوند و ضوابط این مجموعه سبب می شود که هم ساکنان و هم کسبه از شرایط مطلوب تری بهره مند باشند.



شهردار منطقه ۱۲، از تصمیمات جدید برای مدیریت آلاینده گی های شغلی در الهیه خبر داد

### سامان دهی

### مشاغل مزاحم در فاز صنعتی سبک الهیه

گفت و گو با علی اورعی، آتش نشان و قهرمان کاراته جهان  
که رسم پدر شهیدش را زنده نگه داشته است



# حس خوب ناجی بودن

کاراته ورزش  
است، نه محل  
درآمد!

کودکی، نوجوانی و حتی جوانی این آتش نشان جوان با ورزش کاراته گره خورده؛ از ده سالگی این ورزش را به صورت حرفه ای شروع کرده و تا امروز که ۳۵ سال سن دارد، ادامه یافته است. هدف او از ورزش، سلامت جسمی، آمادگی دفاعی و شغلی برای آینده بود. او که در طول دوران ورزش حرفه ای بیش از ۳۰ مقام کشوری و بین المللی کاراته را کسب کرده، به مدت ۱۰ سال، افتخار عضویت در تیم ملی کاراته را داشته است و سرانجام به لحظه ای رسید که ورزش را به صورت یک حرفه ادامه داد و در کنار آن پی شغلی را هم گرفت.

علی اورعی می گوید: از ده تا بیست و پنج سالگی افتخارات ورزشی کشوری و بین المللی بسیاری در کاراته کسب کرده بودم. بدون رودربایستی بگویم، این همه مدال و افتخار و حتی عضویت در تیم ملی نه تنها هیچ سود و درآمدی برایم نداشت، حتی پول زیادی را هم برای حضور در مسابقات هزینه کردم. بارها کارگری و بئایی کردم تا پول لباس و بلیت هواپیما را تهیه کنم.

علی اورعی با ذکر خاطره ای که منجر به فاصله گرفتن او از ورزش شده بود، ادامه می دهد: چند سال قبل که قرار شد برای یکی از مسابقات بین المللی به اروپا بروم، هزینه بلیت هواپیما، اقامت هتل و غذا را که حساب کردم، بیشتر از یک میلیون تومان شد. آن زمان من فقط یک موتور سیکلت هند داشتم که تنها وسیله رفت و آمد من به باشگاه بود. قیمت موتور ۶۰ هزار تومان بود و باز هم پول کم داشتم. در نهایت با کمک مالی مرتضی برومند، رفیق صمیمی پدرم، راهی شدم و مقام هم به دست آوردم. این اتفاق دیدگاهم را به ورزش به عنوان شغلی دارای درآمد تغییر داد.

ورزش برای  
استخدام به  
کارم آمد

این ورزشکار جوان بعد از ناامید شدن از ورزش کاراته برای کسب درآمد، لیسانسش را در رشته برق می گیرد و در فراخوانی که سازمان آتش نشانی مشهد می دهد، شرکت می کند. علی آقا با بیان ماجرای استخدامش در آتش نشانی می گوید: شاید ورزش به صورت مستقیم برایم درآمدزایی نداشت، اما در آزمون استخدام آتش نشانی خیلی به کارم آمد و زمانی که برای امتحان عملی و آمادگی جسمانی رفتم، همه داوران حاضر با شنیدن افتخارات ورزشی ام و دیدن آمادگی جسمانی من، شگفت زده شدند و بارتبه عالی قبول شدم.

برای نجات  
خانواده آن مرد  
برگزیده شده بودم

در کنار همه خود ساختگی های این آتش نشان جوان، او مهم ترین دلیل حضور و ماندگاری اش در این شغل را کمک به گرفتارانی می داند که آخرین امیدشان بعد از خدایه او و همکارانش است. علی آقا در ادامه بیان می کند: روزهای اول حضورم در آتش نشانی علاقه و عشقی را که امروز به این شغل دارم نداشتیم اما در جریان یکی از عملیات های نجات، طرز نگاهم به این شغل تغییر کرد. قبل از شروع عملیات مردی با چشمان نگران و مضطرب و با التماس، نجات خانواده اش را از من می خواست. من در عمق نگاهش، ناامیدی و قطع امید را دیدم. در همان لحظه چشم در چشم شدن احساس کردم که همه امید این مرد، اول به خدا و بعد از آن به ما آتش نشان های تیم نجات است. خدا را شکر عملیات با موفقیت انجام شد و ما توانستیم خانواده این مرد را نجات دهیم. همان مرد دوباره به دیدنم آمد و برای چند لحظه حس شادی و نشاط را در چشمانش دیدم. با همه وجودم احساس کردم به عنوان یک آتش نشان خدا من را برگزیده و انتخاب کرده است تا جان انسان های درمانده را نجات دهم.

حسین برادران فر قبل از اینکه آتش نشان شود شاید حتی یک لحظه هم به این شغل فکر نمی کرد. اما از همان ابتدا مفهوم کمک، دستگیری و نجات یک نفر از مخمصه و گرفتاری را با همه وجودش درک کرده است. علی از کودکی شاهد کمک های خستگی ناپذیر مادر در رسیدگی به امور پدرش بوده است. پدری که از مجروحان شیمیایی جنگ تحمیلی بوده و کمک های مادر به او، تصویر زیبایی از امداد را مقابل چشمان علی می آورده است. این شهروند محله مجیدیه هنوز زیبایی برق نگاه و لبخند رضایت پدر شهیدش را در ذهن دارد. آتش نشان شدن برای او از این لحاظ که می تواند انسان گرفتار و درمانده ای را از دل بحران هانجات دهد، برایش ارزشمند است. علی اورعی، آتش نشان جوان ایستگاه ۲۶ آتش نشانی مشهد، معتقد است که او و همکارانش نظر کرده هستند تا منجی جان انسان های گرفتار باشند؛ انسان هایی که تنها امیدشان بعد از خدایه داستان آتش نشانی است که جانانش را کف دستش می گیرد تا جان دیگری را نجات دهد.



## مادر، الگوی امداد رسانی به مجروحان

پدر علی آقا از جانبازان شیمیایی جنگ تحمیلی اول بوده و سال‌ها قبل به فیض شهادت نائل شده است. این جوان برومند با یادآوری فداکاری‌های مادرش در پرستاری از پدر شهیدش می‌گوید: من و دو برادر در هفت هشت سالگی پدرمان را از دست دادیم. مادر در چند سالی که پدر گرفتار درد‌های ناشی از مجروحیت شیمیایی بود، همه کارهایش، از دارو درمان، حمام و شست و شور دست‌تھا انجام می‌داد؛ در همان حال تر و خشک کردن ماسه برادر خردسال هم برعهده ایشان بود. از نگاه کودکانه ما بچه‌ها و مرحوم پدر شهیدم، مادر برگزیده خدا برای کمک به ما و نیازهایمان بود؛ مادری که هنوز هم این نقش حمایتی را دارد و هیچ‌گاه شاکي نبوده و با تمام وجود ما را زیر پر و بال خود نگاه داشته است.

## از ورزش در کوه‌های نماز تا قهرمانی جهان

علی اورعی بعد از پیوستن به آتش نشانی شهرداری مشهد، کاراته

را با وجود مشغله کاری و استرس‌هایی که داشته، ادامه می‌دهد و بزرگ‌ترین موفقیت ورزشی خود را در همین دوره به دست می‌آورد. او می‌گوید: پنج سال اول از ۱۰ سال خدمتی را که در آتش نشانی دارم، در ایستگاه آتش نشانی واقع در بولوار نماز گذراندم. اطراف این ایستگاه زمین‌های خشک و تپه‌های زیادی قرار دارد. محوطه اطراف ایستگاه مناسب تمرینات ورزشی بود و من هر روز صبح چند ساعتی را به انجام پیاده‌روی و تمرینات قدرتی می‌گذراندم. این تمرینات روزانه و مداوم آمادگی جسمانی ام را در سطح بالایی قرار داده بود.

او ادامه می‌دهد: سال ۱۳۹۶ مسابقات جهانی کاراته در ژاپن برگزار شد و من در این مسابقات شرکت کردم و با اینکه به دلیل شاغل بودن چند ماهی از تمرینات منظم تیم ملی دور بودم، مدال طلای مسابقات جهانی را به دست آوردم.

این مقام بالاترین مدال ورزشی هست که علی اورعی تاکنون کسب کرده و نام این ورزشکار را به عنوان قهرمان جهان بر قله بهترین‌های کاراته ماندگار کرده است.

## وظیفه مانجات است

علی اورعی که در این سال‌ها افراد گرفتار بسیاری را از زیر آوار و زدل آتش نجات داده است، می‌گوید: بعد از اعلام هر حادثه و رسیدن بچه‌های تیم عملیاتی به محل حادثه، اولین کار ما این است که درباره افراد گرفتار در حادثه می‌پرسیم و نجات این افراد اولویت ماست.

اورعی با یادآوری خاطره جالبی درباره یکی از همین نجات‌های می‌کند: به دنبال اعلام یک حریق ساختمانی اعزام شدیم و بعد از رسیدن به محل، خانمی با گریه و زاری پیشم آمد و گفت: «بچه‌هایم را نجات بدهید.» با عجله وارد ساختمان در حال سوختن شدم. این اتاق و آن اتاق هر جا را گشتم، اثری از بچه یا بزرگ سالی پیدا نکردم. در همان لحظه یکی از همکاران پیام داد که منظور این خانم از بچه، گربه و دو بچه گربه‌اش هستند. با شنیدن این حرف و بعد از چند دقیقه جست و جو، گربه مادر و بچه‌هایش را پیدا کردم. یکی از همکاران با دیدن این وضعیت با حالتی طعنه آمیز گفت: «داداش برای نجات یک گربه الان خودت را کشته بودی.» در جوابش گفتم: وظیفه مانجات است.

## شاد کردن دل پیرمرد در ایستگاه آتش نشانی

علی اورعی در طول سال‌های فعالیت در واحد عملیات آتش نشانی، اتفاقات تلخ زیادی را شاهد بوده؛ حوادثی که تا مدت‌ها روح و روان او را پریشان و مضطرب کرده است. او با اشاره به تأثیر تلخ و مخرب این حوادث ادامه می‌دهد: آتش نشانی شغلی پر از استرس و ناراحتی است. بعد از حضور در صحنه حوادث تلخ به ویژه حادثه‌ای که با فوتی همراه است، دیدن گریه و زاری خانواده‌های متوفا خیلی دردناک است. شاید بیشتر اتفاقات شغل آتش نشانی تلخ و دردناک باشد اما در این بین، اتفاقات شیرینی هم رخ می‌دهد. اورعی در تأیید این مطلب یکی از این ماجراها را این گونه تعریف می‌کند: در یکی از عملیات‌ها که برای خاموش کردن آتش موتورسیکلت یک پیرمرد پیک موتوری رفته بودیم، متأسفانه با منفجر شدن یک بنزین موتورش دیگر قابل استفاده نبود. پیرمرد که تنها محل درآمدش را از دست داده بود، با گریه و زاری بر سرش می‌زد. وضعیت ناراحت‌کننده‌ای بود. با هم فکری و پولی که از همکارانمان جمع شد، یک موتورسیکلت نو برای پیرمرد خریدیم. روز بعد که او بدون اطلاع از موضوع و به خیال خودش برای تکمیل پرونده آتش سوزی به ایستگاه آمد، وقتی کلید موتورسیکلت نو را به دستش دادیم، باور نمی‌کرد. همه بچه‌ها اشک شوق می‌ریختند که دل پیرمرد را شاد کرده بودند.

## دقت و سرعت آتش نشان، شرط نجات افراد گرفتار

این آتش نشان جوان در پایان گفت‌وگو هر چند از حقوق اندک و کمبود رفاهیات در این شغل پر از استرس و خطرناک گلایه مند است و از مسئولان درخواست همراهی و مساعدت بیشتر دارد، چند توصیه مهم برای بهتر و سریع‌تر انجام شدن عملیات نجات که شهروندان می‌توانند انجام دهند، بیان می‌کند: او می‌گوید: توصیه اول درباره خود خانواده حادثه دیده است؛ اینکه اطلاعات صحیحی از محل و افراد گرفتار در حادثه به مأموران بدهند تا عملیات اطفای حریق و نجات گرفتاران با دقت و سرعت بیشتری انجام شود خیلی مهم و حیاتی است. اورعی در ادامه با اشاره به تأثیر ثانیه‌ها و حتی صدم ثانیه‌ها در عملیات امداد و نجات ادامه می‌دهد: باز بودن مسیر پله‌های اضطراری و در منتهی به پشت بام از مهم‌ترین اقدامات شهروندان ساکن مجتمع‌های مسکونی برای امداد و نجات بهتر و سریع‌تر است؛ چون باز کردن قفل و مسیر زمان بر است و معطل شدن در مسیر، گاهی متأسفانه به فوت افراد گرفتار منجر می‌شود. در یکی از حوادث حریق، مادر همراه دو فرزند خود برای نجات به سمت در خروجی مجتمع حرکت کرده بودند اما چون در قفل بود، متأسفانه به دلیل نشت دود خفه شده بودند.



گفت‌وگوی شهرآرامحله در سال ۱۳۹۵  
با علی اورعی پس از موفقیت‌های ورزشی  
را اینجا بخوانید

مردم با المان شهدای گمنام بوستان قدیمی شهر ارتباط خوبی برقرار کردند

## یاد شهدا در قلب «ملت»



### پناه‌دل بی‌بی حوریه

در دوسوی مسیری که به یادمان شهدای گمنام ختم می‌شود، پرچم‌های سه‌رنگ ایران بر بدنه پایه چراغ‌هایی به اهتزاز درآمده است. پای پله‌ها هم بنرهای بزرگی از تصاویر شهدای جنگ تحمیلی، جنگ دوازده روزه و جنگ تحمیلی سوم، در کنار شهدای نام‌آشنایی چون خادم‌الشریعه، نورالله شوشتری، ولی... چراغچی، محمدرضا اقدسی، حسین آزادی، مهدی باکری و... جانمایی شده است.

پیرزن گوشه چادرش را به دندان گرفته است و دست به زانو، پله‌ها را به سختی بالا می‌رود. پله آخر که پشت سر می‌گذارد، کمر راست کرده، نفسی تازه می‌کند و رویه آسمان خدا را شکر می‌گوید. او که خودش را بی‌بی حوریه حسینی، از اهالی محله زیباشهر معرفی می‌کند، می‌گوید: قدیم ترها، هر وقت دلم می‌گرفت، خودم را به حرم می‌رساندم تا دلم آرام شود. از وقتی دوشهید همسایه خانه ام شدند، اگر نمی‌توانستم به حرم بروم، به اینجا می‌آمدم. اما نزدیک دوسال است که به خاطر ساخت و ساز، اجازه نمی‌دادند به مزار شهدا سرزنم. وقتی از همسایه‌ها شنیدم امروز مراسم افتتاحیه است و از فردای تو انیم راحت به سر مزار این دوشهید بیاییم، دلم طاقت نیاورد. چادر سر کردم و به اینجا آمدم. هرچند کمی سخت‌گیری کردند و گفتند بعد انجام مراسم می‌توانم بیایم سر مزار، با اصرار و التماس من بالاخره اجازه دادند.

پیرزن همان طوره که انگشت سیاه‌اش را آرام روی سنگ می‌زند و ذکر زیر لبش را به پایان می‌رساند، ادامه می‌دهد: مادر جان! ماهرچه داریم از همین شهدا داریم.

### شهدای گمنام غریب نیستند

ساعاتی به افتتاح یادمان شهدای گمنام مانده است. همه در تکاپوی آماده‌کردن مراسم‌اند. سنگ مزار دوشهید شسته و با گلبرگ‌های سرخ آراسته شده است. میان رفت و آمدها، دو مرد بالباس‌های خاکی، آرام کنار سنگ مزار نشسته‌اند و حمد و فاتحه می‌خوانند.

عباس و علی، همراه پنج همکارشان، بیست ماه برای ساخت این یادمان کار کرده‌اند. علی اقامی گوید پروژه‌های زیادی برای شهرداری انجام داده‌اند، کارهایی که گاهی ماه‌ها و سال‌ها طول می‌کشید، اما این یکی را جور دیگری می‌بینند. اومی گوید: این پروژه از عمرکاری ما حساب نشد. هر قدمی که برمی‌داشتیم، با سلام و صلوات برای شهدا بود و شهدا را حاضر و ناظر به کار خود می‌دیدیم.

علی آقابنه بنای بلند یادمان نگاهی می‌کند و می‌گوید: غریب کسی است که بعد از رفتنش، از او یاد نشود؛ نه این شهدا که این همه خاطر خواه دارند و منتظرند کار یادمان تمام شود تا کنار مزارشان بنشینند. اصرارهای مردم به حضور در کنار مزار شهدا بیست ماهی که آمد و شد در قسمت کارگاهی مزار این دوشهید ممنوع بود، گواه دل‌بستگی و ارادت به شهدا است.

فاطمه سیرجانی همه در جنب و جوش بودند. گلدان‌های شمعدانی دست به دست می‌شد و روی پله‌ها، کنار ردیف چراغ‌های سرخ، جامی گرفت. چند نفر باند‌های صوت را تنظیم می‌کردند و آن سوتر، دستی آب بر مسیر آمد و شد میهمانان می‌پاشید.

بوستان ملت در آخرین روزهای هفته دفاع مقدس، چشم انتظار لحظه‌ای متفاوت بود و پس از نزدیک به دو سال انتظار، از یادمان شهدای گمنامش رونمایی شد؛ سازه‌ای که حالامیان رفت و آمد مردم و در سایه سار درختان، جایی برای مکث و ادای احترام باز کرده است. حاضران و زائران مزار این دوشهید گمنام از زیبایی‌اش گفتند؛ اما اینجا زیبایی فقط در سنگ و نقش و چراغ خلاصه نمی‌شود. اینجا در هر گوشه‌اش، یاد دلاورمردانی جاری است که اگرچه نامشان برای بسیاری ناشناخته مانده، رد و عطر حضورشان در این بوستان و در دل زائران و مجاوران، گمنام و ناآشنا نیست.

### سازه‌ای جذاب در نگاه هر رهگذر

ساعتی تا آغاز مراسم رسمی رونمایی از یادمان شهدای گمنام بوستان ملت مانده است. نوار زرد رنگ، ورودی راهروی گلزار دوشهید گمنام این بوستان را از بقیه فضا جدا کرده، اما آرامش و معنویت جاری در فضا، گویی فراتر از این مرزبندی هاست.

در گوشه‌ای از ورودی، بانویی در کنار دختر نوجوانش روی نیمکت نشسته است. نگاه او به شکوه بنای پیش رو دوخته شده است. الهام حسینی همسایه بوستان ملت است که به گفته خودش هر روز برای ورزش و پیاده روی زیاد به این بوستان می‌آید. او که خود فرزند شهید است از پیوندش با این تکه از خاک بوستان ملت می‌گوید و تعریف می‌کند: وقتی دو سال بیشتر نداشتم، پدرم را در جنگ ایران و عراق از دست دادم؛ پدری که پیکرش هرگز به خاک ایران بازنگشت و در خاک عراق جاوید الاثر شد.

الهام می‌گوید: نشستن در کنار مزار شهدای گمنام، برای من معنای آرامش دارد. ساعت‌ها بالای سنگ مزار شهدای گمنام می‌نشینم و با این حس که شاید در زیر این سنگ پیکر پدر من خوابیده باشد، با او درد دل می‌کنم.

او که پزشک و ساکن محله زیباشهر است، با نگاهی تحسین‌آمیز به سازه، به تلاش‌های پشت پرده این بنا اشاره می‌کند و می‌گوید: حدود دو سال طول کشید تا این بنا شکل بگیرد. اما الحق، بنایی ساخته شده که در شأن نام شهید است. سازه‌ای که هر رهگذری را ناخودآگاه جذب خود می‌کند تا برای لحظاتی، از هیاهوی دنیا فاصله بگیرد و در این مکان معنوی، دقایقی را به سکوت و تأمل بگذراند.

### اثری در خدمت هویت شهری و جایگاه شهدا

هر چه عقربه‌های ساعت به ۸ شب نزدیک ترمی شود، حضور مردم بیشتر و پررنگ ترمی شود. برخی پرچم سه‌رنگ سرزمینمان را به دست گرفته‌اند و در دست بعضی، قاب عکسی قرار دارد که مزین به نام شهدای است. در میان میهمانان علاوه بر مردم همیشه در صحنه، مسئولان شهری از شهدا و اعضای شورای شهر گرفته تا جانبازان و ایثارگران جنگ هشت ساله و خانواده‌های شهدا هم دیده می‌شوند.

علی زینت بخش، شهردار منطقه ۱۱ که میزبان این مراسم است، می‌گوید: عملیات اجرایی یادمان شهدای گمنام بوستان ملت در پی دستور شهردار مشهد آغاز شد. از همان ابتدا، قرار بود اینجا برای همه شهروندان باشد؛ به همین دلیل در کنار پلکان ورودی، رمپی ویژه توان یابان احداث شد.

به گفته زینت بخش، این یادمان با ارتفاع تقریبی ۱۳ متر طراحی و در اجرای آن تلاش شده است ضمن توجه ویژه به شأن و جایگاه مقام شامخ شهدا، از ظرفیت‌های معماری و هنری برای ایجاد فضایی ماندگار، فاخر و متناسب با هویت شهر مشهد استفاده شود.

او توضیح می‌دهد: پیچیدگی‌های فنی و اجرایی، ساخت این یادمان را با هزینه‌کرد حدود ۴ میلیارد تومان، به‌کاری تخصصی و زمان بر تبدیل کرده بود. اما تلاش‌های شبانه‌روزی، آن را برای بهره‌برداری در هفته دفاع مقدس آماده کرد.

اکنون یادمان شهدای گمنام بوستان ملت میزبان مردم است؛ بنایی که در میان رفت و آمدهای روزمره، فرصتی برای ایستادن و به یاد آوردن و تفکر فراهم کرده است؛ اندیشیدن به دوشهیدی که اگرچه گمنام‌اند، یادشان با هر فاتحه و حضور بر سر مزارشان، در دل هاجری است.



قدردانی شورای اجتماعی محلات توس از مادرانی که در مسیر جوانی جمعیت گام بر می دارند

## ۱۲ مادر همراه ۴۱ فرزند

کم فرزند نه برای پدر و مادر جذاب است و نه برای بچه ها. تا الان هم خدا چهار فرزند به ما داده است که هر کدامشان نعمت خدا هستند در زندگی ما.

او ادامه می دهد: در این زمان خیلی خودمان را به این محدود نکرده ایم که وضعیت مالی چطور است یا هزینه ها را باید چطور پرداخت کنیم. خدا خودش روزی این بچه ها را می رساند.

### ● همراه درس و بازی یکدیگر

با حضور مادران چند فرزند، مسجد هم پر شده از کودکان و نونهالانی که با سروصدای زیاد سرگرم بازی هستند. هستی، دختری نه ساله است که سه خواهر و برادر دیگر هم دارد. او می گوید: وقتی که در خانه یا باغ پدر بزرگم هستیم بازی های زیادی با هم انجام می دهیم. این طوری به ما خیلی خوش می گذرد. الان در درس هایم خواهر بزرگم کمک می کند و من هم به برادر کوچکم کمک می کنم.

ریحانه ده ساله هم در میان چهار خواهر و برادر فرزند ارشد است. او که همراه خانواده در این برنامه حاضر است، می گوید: امروز که در اینجا خیلی خوش گذشت. بچه های زیادی را اینجا دیدیم که خیلی از آن ها هم محله ای ما هستند. اودرباره خانه پر بچه و رابطه اش با خواهران و برادرانش می گوید: ما که خیلی خوشحالیم تعدادمان زیاد است. همه کارهای برادر سه ساله ام را من و برادرم انجام می دهیم و مواظبش هستیم. به همین دلیل مادرم در انجام کارهای خانه راحت است. حتی مادر کار خانه به مادرم کمک می کنیم.



### ● هر فرزند، نعمت خدا به ماست

این برنامه ویژه مادران است، بانوانی که با وجود سختی های زندگی، دشواری بزرگ کردن سه فرزند یا بیشتر را به جان خریده و امروز هم با لیخنه کنار یکدیگر و فرزندانشان ایستاده اند. با فاطمه احمدی هم صحبت می شویم، مادری که با چهار فرزندش به رویداد اجتماعی مادری آمده است. او می گوید: این چندمین برنامه ای است که در چند سال گذشته به خاطر مادر بودن دعوت شده ام و برایم ارزشمند است. در این شرایط اقتصادی جامعه، بزرگ کردن چند بچه کار واقعاً سختی است؛ با وجود این وقتی در چنین برنامه هایی از ما تقدیر می شود، خوشحال می شویم و برای ما ارزشمند است.

فاطمه پریشان دیگر بانوی حاضر در برنامه است. او می گوید: من و همسرم در خانواده ای پر جمعیت به دنیا آمده ایم؛ اول زندگی هم تصمیم گرفتیم چهار بچه داشته باشیم، چون خانه

بهشتی بانوان یکی پس از دیگری وارد می شوند؛ دست در دست فرزندان. البته اینجا هیچ بانویی با یک یا دو فرزند وارد نمی شود. مادران با حداقل سه فرزند به این مراسم دعوت شده اند. برنامه رویداد اجتماعی «مادری» که در مسجد محله چهار برج تدارک دیده شده با حضور مادران و کلی بچه زیبا شده است.

این مراسم تدارک دیده شده است تا از مادران محلات چهار برج، کلاته برفی و فردوسی که در مسیر جوانی جمعیت همراه هستند، قدردانی شود.

### ● حواس مادران، جمع بچه ها

مادران محلات بولوار شاهنامه در روزی که بچه هایشان را با خود به مسجد علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> آورده اند، چندان آرامش و حواس جمعی ندارند؛ زیرا مدام باید توجهشان به بچه ها باشد. زندگی آن ها همیشه به همین صورت سپری می شود و به معنای واقعی آدم های فداکاری هستند که برای جوانی جمعیت شهر و کشور همراه شده اند.

در این برنامه دوازده بانو با فرزندان خود حاضرند. بانوانی که حداقل سه فرزند و حداکثر پنج فرزند دارند. رویداد اجتماعی مادری به همت واحد مشارک های اجتماعی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۲ و با همکاری شورای اجتماعی محلات محدوده منفصل شهری توس در مسجد علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> محله چهار برج تدارک دیده شده است تا از زحمات این مادران قدردانی شود.

### ● هدف و انگیزه های از مطالعه در حوزه سواد رسانه ای چه بود؟

از ابتدای حضور در مرحله اول این رقابت ها منابع را مطالعه می کردم، هدفم کسب رتبه و جایزه نبود؛ قصد داشتم از طریق این المپیاد، سواد و اطلاعات خودم را در حوزه سواد رسانه ای افزایش دهم و بتوانم در این زمینه در جامعه مفید و اثرگذار باشم.

### ● از احساس بعد اطلاع از کسب رتبه دوم کشوری در المپیاد سواد رسانه ای برایمان بگو.

خبر کسب رتبه دوم و مدال نقره را از طریق سایت رسمی باشگاه دانش پژوهان جوان متوجه شدم. خیلی خوشحال شدم که توانستم افتخاری برای خانواده و مدرسه و محله ام باشم.

### ● به لحاظ درس و تحصیل جزو دانش آموزان برتر کلاس و مدرسه هستی؟

در تمام دوران تحصیل سعی کرده ام تمام تلاشم را برای انجام وظیفه ام در درس خواندن به کار بگیرم و جزو بهترین های کلاس باشم.

### ● امکانات فرهنگی محله چقدر در جذب تو به سمت آموزش سواد رسانه مؤثر بوده است؟

حضور در کلاس هایی که از طرف پایگاه بسیج حوزه خواهران مسجد امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> در حوزه آموزش سواد رسانه و آموزش تولیدات رسانه ای برگزار می شد، خیلی در آشنایی من با سواد رسانه و علاقه ام مؤثر بود.

عسل نصرتی، مدل آور المپیاد رسانه  
از دلایل علاقه اش به حوزه خبر می گوید

## سواد رسانه، ضرورت نسل ماست

امید محله

در پایه نهم توانستم در یادواره «یاران شیدایی» رتبه اول را در رشته فیلم کوتاه کسب کنم.

### ● برای حضور در این رقابت ها چطور خود را آماده کردی؟

رقابت ها در سه مرحله برگزار شد. در هر مرحله من سعی کردم علاوه بر منابعی که از طرف خود باشگاه دانش پژوهان جوان معرفی می شد، از منابع بیشتری مانند مقالات مرتبط با مفاهیم سواد رسانه، فیلم ها، مستند ها و کلاس های آموزشی استفاده کنم تا دست پر در این رقابت شرکت کنم.



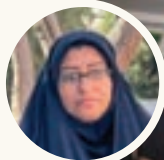
سیرجانی ادر کوچه پس کوچه های محله سیدرضی، جایی که استعداد های ناب در هیاهوی شهر جان می گیرند. نام نوجوانی خوش آتیه می درخشید. عسل نصرتی، دختری که با نگاهی جست و جوگر به دنیای پرهیاهوی رسانه ثابت کرد فاصله میان علاقه قلبی تا افتخار ملی، تنها به اندازه اراده و پشتکار است. این نوجوان موفق نه فقط یک دانش آموز ممتاز بلکه نوید بخش نسلی است که برای تحلیل دنیای پیرامون خود به جای پذیرش بی چون و چرای پیام ها، سلاح آگاهی را برگزیده است. او که امسال از دبیرستان شهید مطهری فارغ التحصیل شده و در آستانه ورود به دانشگاه است، مسیر درخشش خود را از سال هاپیش آغاز کرد.

### ● داستان علاقه مندی ات به رسانه چه بود؟

تا قبل از پایه دهم، کم و بیش با مفاهیم سواد رسانه و تولیدات رسانه ای آشنا بودم. اما با ورود به پایه دهم و شرکت در کلاس های سواد رسانه ای مدرسه، توانستم دقیق تر با مفاهیم رسانه آشنا شوم و به این حوزه علاقه مند شدم.

### ● قبل این موفقیت در حوزه فرهنگی و رسانه ای، افتخاری کسب کرده بودی؟

در پایه هشتم در رشته ویدئو کست در سطح ناحیه رتبه اول را کسب کردم و



○ ربانی، مسئول پایگاه بسیج خواهران مسجد جوادالائمه<sup>(ع)</sup>، درباره این برنامه می‌گوید: جشنواره غذای بانوان الهیه با شور و نشاط اجتماعی در محله همراه بوده و زمینه تبادل تجربیات و آشنایی با غذاهای جدید را برای بانوان فراهم کرده است.



○ یکی از مادر بزرگ‌های شرکت‌کننده در جشنواره غذا، مریم نعمتی است. او بایکی از غذاهای سنتی مشهدی به نام اشکنه دوغ یا کله جوش در این جشنواره حاضر شده است. این مادر با اشاره به مواد مغذی این غذای می‌گوید: غذاهای سنتی با طبع ما ایرانی‌ها سازگاری بیشتری دارند و چون مناسب با فصل گرم و سرد تغییر می‌کند، به سلامتی بیشتر بدن کمک می‌کند.



جشنواره غذاهای بومی و محلی  
با حضور بانوان الهیه در مسجد جوادالائمه<sup>(ع)</sup> برگزار شد

## خوشمزه، مثل دست‌پخت مادران ایرانی

حسین برادران فراهرکدام از خانم‌ها با ظرف غذایی که پخته‌اند، خود را به مسجد محله الهیه می‌رسانند. میز بزرگی وسط مسجد جوادالائمه<sup>(ع)</sup> پر شده از غذاهای مختلف و خوشمزه. بانوان خوش ذوق این محله بیشتر با پخت غذاهای ایرانی و البته خوراکی‌های بومی خراسان در این برنامه حاضر شده‌اند تا هم رقابتی دوستانه شکل دهند و هم طعم متفاوت و اصیل غذاهای محلی و بومی را به مهمانان و دیگر شرکت‌کنندگان بچشانند.



○ زهراتوسی والینا عادل‌ی منش دو آشپز نوجوان هستند که مطابق با سنشان با غذاهای نسل جدید در این برنامه حاضرند. آن‌ها سالاد ماکارونی تهیه کرده‌اند. زهراتوسی می‌گوید: درست است ما نوجوانان غذاهای فست‌فودی را بیشتر دوست داریم اما امروز در این جاذبه طعم و رنگ و بوی غذاهای ایرانی خیلی خوب بود.



○ الهام یزدانی دیگر بانوی آشپز است که با پخت گندم پلوه این برنامه آمده است و می‌گوید: پخت این غذا را از مادر بزرگم یاد گرفتیم. در گذشته که استفاده از برنج مرسوم نبود، مردم گندم را آسیاب می‌کردند و مثل برنج دم‌کرده با خورش می‌خوردند.